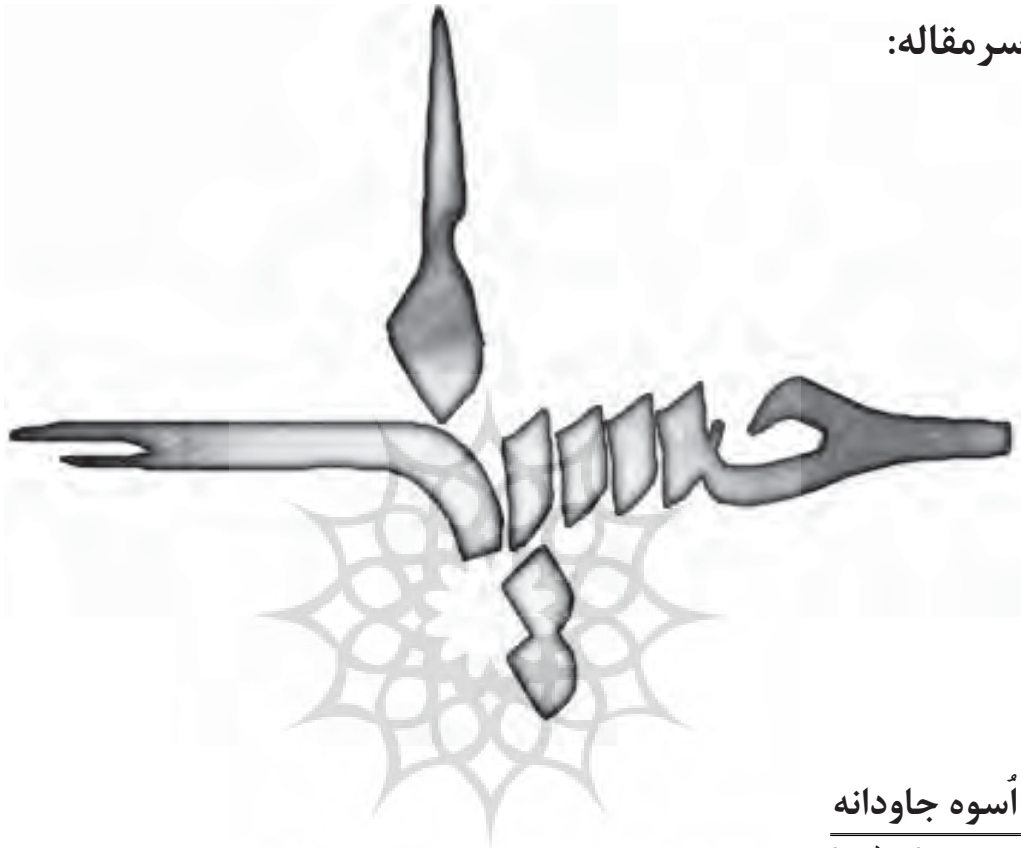


سرمقاله:



أسوه جاودانه

اسردبیر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سرّ ابراهیم و اسماعیل بود  
پیش فرعونى سرش افکنده نیست  
یعنی آن اجمال را تفصیل بود  
ملت خوابیده را بیدار کرد  
ز آتش او شعله‌ها اندوختیم<sup>۱</sup>  
ماسوی الله را مسلمان بنده نیست  
خون او تفسیر این اسرار کرد  
رمز قرآن از حسین آموختیم



بار دیگر محرم، ماه حماسه و ایثار از راه رسید؛ ماه رشادت و جانبازی شماری از برترین بندگان محبوب خدا، که در راه رضای دوست از هر آنچه غیر اوست، دل بردند و خالصانه جان خود را به جان آفرین تسلیم کردند. ماهی که در آن حسین بن علی (ع) به همراه یاران با وفای خود کلاس شهادت را آغاز کردند و با خون خود کربلا را به دانشگاه عشق، ایمان، جهاد و پایداری برای بشریت تبدیل نمودند. قلم از نوشتن و زبان از گفتار باز می ماند که از عظمت این حادثه و رهبری آن که جاودانه ترین نهضت انقلابی را در تاریخ به ثبت رسانده است چه بنویسد و چه بگوید. حسین (ع) کسی است که در دامان برترین و والاترین انسانها یعنی جدّ بزرگوارش نبی اکرم (ص) و پدر والا مقامش علی (ع) و مادر مهربانش فاطمه (س) پرورش یافت و تمام فضائل و کمالات انسانی را از آنان به یادگار گرفت و در حادثه کربلا به جهانیان عرضه نمود. آن امام همام برای هدایت انسانها و نجات و اصلاح امت جدّ خویش به استقبال آن همه مصائب رفت. او احیاگر اسلام ناب بود و به خوبی می دانست که با قیام و نهضت اوست که دین و ارکان دینی از خطر نابودی مصون می ماند، لذا فرمود:

«الاترون الی الحق لا یعمل به و الی الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء ربّه حقا حقا،

فانی لا اری الموت الا سعاده و الحیاه مع الظالمین الا برما» (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱)

«آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی نمی گردد. پس جا دارد که مؤمن در چنین وضعیتی به لقای پروردگار خود بشتابد، من مرگ را جز سعادت، و زندگی در سایه ستم گران را جز نفرت نمی دانم.»

آن مرشد عاشقان بر این نکته بارها تأکید کرده بود که برای تداوم اصل نبوت پا به میدان نبرد گذاشته است. به همین جهت آنچه را که داشت در راه دین جدش در طبق اخلاص گذاشت و مرگ در راه حق را زینت بخشید و فرمود:

«خُطّ الموت علی ولد آدم مخطّ القلاده علی جید الفتاه» (همان، ص ۳۶۶)

«چنین مرگی مانند یک گردنبند که برای زن زینت است برای انسان زینت می باشد.»

باری آن واقعه حزین و غمبار که زخمی ترین قطعه تاریخ اسلام می باشد به جهت برخورداری از پیامهای عالی و آسمانی می تواند برای بشریت یک قله رفیع الهام بخش باشد و برای همیشه چراغ راه آنان قرار گیرد؛ چرا که آن مصباح هدایت خود فرمود: «فلکم بی اسوه» (همان، ص ۳۸۲).

با این نگاه، و با استناد به فرمایشات مقام معظم رهبری و نظرات استاد شهید مرتضی مطهری، بعضی از ابعاد شخصیتی آن بزرگوار را مرور می‌کنیم.

### ۱) الگوی بشری

هر سالی که هلال ماه محرم در افق ظاهر می‌شود حماسه کربلا و جانبازی و فداکاری بزرگ‌ترین قهرمان تاریخ بشریت را در خاطره‌ها تجدید می‌نماید و قلوب مسلمانان را به تلاطم و می‌دارد و همگان را به بررسی بزرگ‌ترین حادثه تاریخ جهان که هزار و سیصد و اندی سال پیش روی داده است وادار می‌سازد. قهرمان این حماسه عظیم حسین بن علی (ع) است، که تأسی به او در همه ابعاد زندگی می‌تواند چراغ راه سعادت انسانها باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«زیرک‌ترین انسانها کسانی هستند که اولیاء الله را الگو قرار می‌دهند. چون بزرگ‌ترین خصوصیت اولیاء الله این است که تا آن حد شجاع و قوی و مقتدرند که می‌توانند امیر نفس خود باشند، ذلیل نفس خود نشوند» (مورخ ۷۵/۹/۲۴).

امروز که رسانه‌های ارتباط جمعی در جهان زیر نظر لابی صهیونیستی الگوهای کاذب به جوانان و ملتها معرفی کرده و زمینه‌های بی‌هویتی فرهنگی و عقیدتی را در میان آنان ترویج می‌کنند خوب است مراحل زندگی این حجت الهی را در سطوح گوناگون و با زبان روز برای مخاطبان خود در جلسات و مراسمهای عزاداری ارائه کنیم تا گرایش جوانان به سوی الگوهای دینی بیشتر گردد؛ چه الگویی با عظمت‌تر از اباعبدالله (ع) که پیامبر (ص) در مورد ایشان فرمودند:

«حسین منی و أنا من حسین احب الله من احب حسینا و ابغض الله من ابغض حسینا»  
(بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱).

حسینی که استمرار خط نبوت و رسالت است و نهضت و حرکت او سبب ماندگاری دین جدّ اوست؛ امام خمینی (ره) نیز در این رابطه فرمودند:

«اهل منبر باید شهادت امام حسین (ع) را زنده نگه دارند و ملت باید با همه قدرت این شعائر اسلامی را زنده نگه دارد. با زنده نگه داشتن او اسلام زنده می‌شود؛ أنا من حسین (ع) که روایت شده است که پیامبر (ص) فرموده است این معنایش، این است که حسین (ع) مال من است و من

هم از او زنده می‌شوم، از او شده است (صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۸)

چه زیباست که از همت بلند آن امام همام برای مخاطبان خود در مجالس عزاداری سخن بگوئیم، چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«وقتی نبی اکرم(ص) از دنیا رفت، ایشان یک نوجوان هشت- نه ساله بودند. وقتی امیرالمؤمنین(ع) به شهادت رسیدند ایشان یک جوان سی و هفت - هشت ساله بودند. در دوران امیرالمؤمنین هم که دوران آزمایش و تلاش و کار بود، این مایه مستعد، زیردست آن پدر قوی، درخشان و تابناک شده بود. اگر همت یک انسان مثل ما باشد خواهد گفت که همین مقدار بس است، همین خوب است، با همین مقدار خدا را ملاقات کنیم، همت حسینی این نیست ... از وقت شهادت امام حسن(ع) تا هنگام شهادت خودشان حدود ده سال و اندکی است. شما ببینید امام حسین(ع) در این ده سال قبل از عاشورا چه می‌کردند» (مورخ ۷۵/۹/۲۴).

## ۲) الگوی حماسی

استاد شهید مرتضی مطهری معتقد است علی‌رغم صرف هزینه‌های زیاد، بُعد حماسی شخصیت سالار شهیدان هنوز مجهول است و این وظیفه عالمان دینی است که این مورد را برای آحاد مردم تبیین نمایند. ایشان می‌فرماید:

«حسین(ع) یک شخصیت حماسی است، اما حماسه انسانیت، حماسه بشریت، سخن حسین(ع)، عمل حسین(ع)، حادثه حسین(ع)، روح حسین(ع) و همه چیز حسین(ع) هیجان است، تحریک است، درس است، القاء نیروست ... شما در دنیا حماسه‌ای مانند حماسه حسین بن علی(ع) پیدا نخواهید کرد چه از نظر قدرت و قوت حماسه و چه از نظر علو و انسانی بودن آن و متأسفانه ما مردم این حماسه را نشناخته‌ایم» (مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۸).

روحانیون بزرگوار و مبلغان دینی می‌توانند با بیان سیره حماسی امام حسین(ع) برای عموم مردم روح حماسی را در وجود آنان زنده نگه دارند. باید آحاد مردم مسلمان را توجیه کنیم که قهرمانان عاشورا الهام‌دهندگان استقامت و ایستادگی برای همه نسلهای طالب حق هستند و پیرو حسین(ع) باید در همه حال در خصلتهایی همچون گریزاز ذلت و زبونی و سازش با طاغوتها و مبارزه با استکبار و هم‌چنین ایثارگری و شهادت طلبی به آن پیشوای بزرگ اقتدا کنند. بیان شعارهای حماسی عاشورا می‌تواند تأثیر زیادی در رساندن پیام به مخاطبان داشته باشد که به ذکر یک نمونه از این شعارها در



اینجا می‌پردازیم. امام حسین (ع) در پاسخ به تهدیدهای حُر در مسیر کوفه و برای بیان بی‌باکی خود از رویارویی با شهادت می‌فرماید:

«سامضی و ما بالموت عارٌ علی الفتی  
و آسی الرجال الصالحین بنفسه  
فان عشت لم اندم و ان مت لم الم  
کفی بک ذلاً ان تعیش و ترغماً»

(بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۷۸)

«به زودی می‌روم و مرگ برای جوانمرد عار و ننگ نیست هنگامی که نیتش حق باشد و در حال اسلام جهاد کند و با جاننش با مردان صالح مواسات کند و از شخص رانده شده از رحمت الهی جدا شود و با مجرم وداع کند. پس اگر زندگی کنم پشیمان نمی‌شوم و اگر بمیرم مذمت و ملامت نمی‌شوم. برای خواری همین بس که با ذلت و سرافکندگی زندگی کنی»

باری همانندسازی با بعد حماسی قیام سیدالشهدا (ع) بود که باعث شد رزمندگان دفاع مقدس با روحیه ایثارگری و شهادت‌طلبی از نظام مقدس جمهوری اسلامی دفاع کنند.

### ۳) آمر به معروف

عنصر بسیار مهمی که در ایجاد و استمرار نهضت حسینی نقش اساسی داشت امر به معروف و نهی از منکر بود. سیدالشهدا (ع) بنا به فرموده خود حضرت و دعاها و زیارت آن بزرگوار در جهت نجات بشریت از جهالت و گمراهی و تبیین حق و باطل و معروف و منکر قیام کردند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«در زیارتی از زیارتهای امام حسین (ع) که در روز اربعین خوانده می‌شود جمله بسیار پر معنی وجود دارد و آن این است: و بذل فیک مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهاله. فلسفه فداکاری حسین (ع) در این جمله گنجانده شده است، زیرا به خدای متعال عرض می‌کند که این بنده تو خون خود را نثار می‌کند تا مردم را از جهالت نجات دهد» (حدیث ولایت، ج ۵، ص ۱۴۷).

استاد شهید مرتضی مطهری می‌نویسد:

«حسین بن علی (ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر، یعنی در راه اساسی‌ترین اصلی که ضامن بقای اسلام است کشته شد. در راه اصلی که اگر نباشد دنبالش گنبدیدن پیکر جامعه است.

به موجب این اصل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده برای همیشه زنده بماند. به موجب این عامل حسین(ع) یک انسان معترض است... همه جا را فساد گرفته، حلال خدا، حرام و حرام خدا، حلال شده است. بیت‌المال مسلمین در اختیار افراد ناشایست قرار گرفته و در غیر راه خدا مصرف می‌شود. پیامبر اکرم(ص) فرمود: هر کس چنین اوضاع و احوالی را ببیند و درصدد دگرگونی آن نباشد شایسته است که خدا چنین کسی را به آنجا ببرد که ظالمان و ستم‌کاران می‌روند و سرنوشت مشترک با آنان دارند، به گفته جدش استناد می‌کند که در چنین شرایطی کسی که می‌داند و می‌فهمد و اعتراض نمی‌کند با جامعه گنهکار خود سرنوشت مشترک دارد.» (مجموعه آثار، ج ۱۷، ص ۲۱۵).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴)

«و باید از شما گروهی باشند که به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازدارند و آنانند رستگارانند.»

امر به معروف و نهی از منکر عبارت از دستور دادن به انجام کارهایی که در نظر عقل و شرع به خوبی و نیکویی شناخته شده باشند و بازداشتن از انجام کارهایی که عقل و یا شرع به بدی و ناروایی آن حکم می‌کنند.

امام باقر(ع) در اهمیت و آثار امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید:

«إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَ تَعْمُرُ الْأَرْضَ وَ يَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵)

«امر به معروف و نهی از منکر، روش پیامبران و شیوه صالحان (در) فریضه بزرگ الهی است که سایر واجبات و فرائض به وسیله آن دو بر پا می‌شوند و در پرتو آنها راهها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود. مظالم به صاحبان اصلی برگردانده می‌شود. زمین آباد می‌گردد. از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌یابد.»

در یک نگاه اجمالی می‌توان پایه و اساس حماسه عاشورا را امر به معروف و نهی از منکر خواند. امام حسین(ع) در یکی از بیانات تاریخی و جاودانه خود می‌فرماید:

«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا فَاسِدًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِإِصْلَاحِ فِي أُمَّهِ جَدِّي (ص) أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (همان، ج ۴۴، ص ۳۲۹)

«من از روی خودخواهی و غرور و خیره‌سری و یا به منظور ایجاد فساد و آشوب و یا ظلم و ستمگری پیا نخواسته‌ام بلکه به منظور اصلاح امور مسلمین و امت جدِّ بزرگوارم و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی قیام کرده‌ام».

در بیان دیگری آن یگانه دوران می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ» (همان، ص ۳۲۸) «خدایا من امر به معروف را دوست می‌دارم»

امام می‌خواستند در مقابل فاسدین و خیانت‌کنندگان به مردم و بیت المال بایستند و ایستادگی خود را در همه اعصار به رخ جهانیان بکشانند.

امر به معروف و نهی از منکر در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی هم نقش بسزایی داشت. با تأسی به این فریضه عظیم بود، که بنیان‌گذار انقلاب اسلامی توانست جایگاه پوشالی رژیم طاغوتی پهلوی را در بین مردم متزلزل نماید. این شاخص بزرگ عاشورایی و عامل مهم شکل‌گیری حماسه حسینی، در جامعه امروزی ما رفته رفته کم رنگ‌تر می‌شود. استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌گوید:

«من گذشته را با امروز مقایسه می‌کنم و می‌بینم که چقدر ما عقب رفته‌ایم. امروز گذشته از این‌که هیچ شکلی برای امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد، اساساً آنچه بیشتر جای تأسف است، این است که این فکرها به کلی از دماغ مسلمین خارج شده، آن چیزهایی را که آن روز جزء وظیفه حسبه می‌دانسته‌اند و به نام حسبه و امر به معروف و نهی از منکر امور اجتماعی خود را اصلاح می‌کردند، اساساً جز امور دینی شمرده نمی‌شود و اگر احیاناً کسی به فکر امر به معروف و نهی از منکر بیفتد فکر نمی‌کند که آن اصلاحات هم جز این وظیفه و تکلیف است، یعنی معروف و منکر آن معنای وسیع خود را از دست داده است»

(مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۹۷).

بنابراین مسئولان و متولیان امر فرهنگ در جامعه باید تدابیری بیندیشند تا این اصل فراموش شده جایگاه واقعی خود را در بین مردم بدست آورد.

#### ۴) الگوی بندگی

از مظاهر عبودیت و عرفان وجود مقدس امام حسین(ع)، عبادتها و دعاهاى ایشان به درگاه خداوند متعال می‌باشد. دعای عرفه آن امام همام یکی از تجلیات بسیار عالی از روح بزرگوار و معاشقه عارفانه‌ای است که با خدای خود کرده است. انسان وقتی این دعا را می‌خواند می‌فهمد که این روح بزرگ چگونه آمادگی داشته تا آن فداکاری بی‌نظیر را در صحنه کربلا از خود نشان دهد و این چنین جان خویش را در طبق اخلاص بگذارد، و عاشقانه به درگاه خداوند تبار کند.

«یا مولای آنت الذی أَنْعَمْتَ، آنت الذی أَحْسَنْتَ آنت الذی أَجَمَلْتَ، آنت الذی أَفْضَلْتَ... آنت الذی  
أَغْنَيْتَ آنت الذی أَقْنَيْتَ آنت الذی كَفَيْتَ آنا الذی غَفَلْتُ، آنا الذی سَهَوْتُ، آنا الذی أَخَلَفْتُ آنا الذی  
أَقْرَرْتُ آنا الذی اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ...» (مفاتیح الجنان، ص ۷۹۸).

این عبارات بلند گویای آن است که آن امام همام اوج بندگی و عبودیت خود را در محضر ربوبی ابراز نماید. لذا در اوج حماسه کربلا این اظهار بندگی در کلام و حالات امام مشهود است و حتی به دیگران توصیه و درس دعا و اظهار بندگی می‌دهد. در روز عاشورا و در حین نبرد حق و باطل، امام حسین(ع) در حالی که دست به دعا برداشته کلماتی را تعلیم فرزندش امام سجاد(ع) می‌دهد که بایستی عهده‌دار کاروان و قافله امام حسین(ع) در حرکت به کوفه، شام و مدینه باشد، ایشان می‌فرماید:

«يَا بُنَيَّ احْفَظْ عَنِّي دُعَاءَ عَلْمَتِيهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ عَلَّمَهَا رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَّمَهُ جِبْرِيلُ فِي الْحَاجَةِ وَ الْمُهَمِّ وَ الْعَمِّ وَ النَّازِلَةِ إِذَا نَزَلَتْ وَ الْأَمْرُ الْعَظِيمُ الْفَادِحَ قَالَ أَدْعُ: بِحَقِّ يَسِّ وَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ بِحَقِّ طِهِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمَنَّ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا» (بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹۶)

امام سجاد(ع) می‌فرماید:

«پدرم در آن روز پرشور عاشورا که خون در آن می‌جوشید؛ مرا به سینه چسبانید و فرمود: پسرم حفظ کن از من دعائی را که مادرم فاطمه(س) به من آموخت که رسول‌الله(ص) به او



آموخته بود و جبرئیل امین مأمور آموختن به آن حضرت بوده که در حوائج مهم و گرفتاریها و غم و غصه‌هایی که بر انسان نازل می‌شود و در بلاهای بزرگ و سخت بخواند، خدای را به آن، و آن این است: به حق یس و به حق طه و قرآن کریم، ای کسی که قدرت داری حوائج سؤال کنندگان را بر آورده سازی، ای خدایی که از ضمائر بندگان واقفی، ای خدای برطرف کننده غم و اندوه گرفتاران، ای زداینده غم‌های غصه داران، ای رحمت کننده بر پیران، ای روزی دهنده بر اطفال، ای آنکه احتیاج به گفتگو در پیشگاهت جهت عرض حاجت نیست، درود فرست بر محمد و آل محمد و انجام ده در حق این بنده‌ات آنچه سزاوار ربوبیت تو است».

#### ۵) الگوی شهادت طلبی

عاشورائیان و یاران حماسه ساز امام حسین(ع) به خوبی دریافته بودند که سیدالشهداء چه راهی را انتخاب نموده است. بعد از همه اتمام حجت ها، آنان که در رکاب آن حجت خدا توفیق حضور پیدا کرده بودند، می‌دانستند که امام از شهادت خود آگاه است و با علم به آن به کربلا آمده است. آنان باور داشتند که امام در راستای بقای دین و حیات اسلام، خود را به قربانگاه رسانده است. لذا صحابه به پیروی از رهبر و مولای خویش در شب عاشورا یک به یک برخاسته و این روحیه را ابراز می‌کردند و به مانند امامشان هیچگونه هراسی به خود راه نداده بودند. با آن که اباعبدالله(ع) بیعت را برداشته بود تا هر کس با اختیار خود تصمیم بگیرد، اما سخنان آن بزرگواران در شب عاشورا حاکی از عشق به شهادت در رکاب مولای خود بود. وقتی امام حسین(ع) فرمود، فردا من کشته می‌شوم و شما نیز همه کشته خواهید شد؛ گفتند:

«فَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَصْرِكَ وَ شَرَّفَنَا بِالْقِتْلِ مَعَكَ. أَوْ لَا تَرْضَى أَنْ نَكُونَ مَعَكَ فِي دَرَجَتِكَ

يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ فَقَالَ (ع) جَزَاكُمْ اللَّهُ خَيْرًا وَ دَعَا لَهُمْ بِخَيْرٍ» (موسوعه کلمات الامام الحسین(ع)، ص ۴۰۲)

«سپاس خدایی را که ما را به یاری تو تکریم فرمود و شرافت شهادت در رکاب تو را نصیب ما کرد. ای فرزند رسول خدا آیا خرسند نیستی که با تو و در درجه تو باشیم. امام فرمود: خدا همه شما را پاداش نیک بدهد و آنان را دعا کرد».

این فرهنگ اهل بیت است، این فرهنگ عاشورا است و مؤید این روحیه و اندیشه آسمانی است که مرگ در راه عقیده و شهادت در راه خدا آرزوی وارستگی است که رشته تعلقات دنیوی را قطع نموده و به حیات برین و رزق الهی در سایه شهادت دل بسته‌اند. امروز به برکت تداوم این فرهنگ عاشورائی،

انقلاب اسلامی توانسته است جوانانی را تربیت نماید که به پیروی از مولای خویش حاضرند از همه وابستگی‌های مادی دست برداشته و در راه حفظ نظام اسلامی ایثارگری نمایند. فرهنگ شهادت طلبی عاشورا را رزمندگان مسلمان ما و همهٔ مسلمانان در سراسر جهان به خصوص فلسطین (غزه)، لبنان، یمن، بحرین، تونس و مصر به خوبی درک کرده و از آن در راه حفظ اسلام بهره‌برداری کردند. امروز پیروزی مسلمانان غزه بر رژیم اشغالگر قدس برگرفته از همین فرهنگ عاشورایی است. اگر بیداری جهان اسلام امروز به اوج خود رسیده است همه و همه به برکت تداوم فرهنگ عاشورایی است. بیانات آن امام همام نیز در شکل‌گیری فرهنگ عاشورایی نقش مهمی را ایفا نموده‌است. به همین جهت فرازهایی از سخنان آن حجت خدا را مرور می‌کنیم.

بیانات امام حسین (ع) خطاب به بستگان و نزدیکان صحابه:

«فَإِنْ كُنْتُمْ قَدْ وَطَّنتُمْ أَنْفُسَكُمْ عَلَيَّ مَا وَطَّنتَ نَفْسِي عَلَيْهِ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ أَنَّمَا يَهْبُ الْمَنَازِلَ الشَّرِيفَةَ لِعِبَادِهِ بِاحْتِمَالِ الْمَكَارِهِ وَ إِنَّ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ خَصَّنِي مِنَ الْكَرَامَاتِ بِمَا يُسْهَلُ عَلَيَّ مَعَهَا إِحْتِمَالِ الْمَكْرُوهَاتِ، فَإِنَّ لَكُمْ شَطْرَ ذَلِكَ مِنْ كِرَامَاتِ اللَّهِ تَعَالَى. وَ أَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا حُلُوهَا وَ مَرَّهَا حُلْمٌ وَ الْإِتِّبَاهُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْفَائِزُ مَنْ فَازَ فِيهَا وَ الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِيهَا» (بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۹۰)

«پس اگر آماده‌اید بر آنچه من خود را آماده کرده‌ام، بدانید که خداوند فقط در مقابل تحمل سختی‌ها، مقام‌های عالی را به بندگان می‌بخشد و گرچه خدا مرا به کرامت‌هایی مختص گردانیده که تحمل سختیها بر من آسان شده ولی برای شما نیز مقداری از آن کرامت‌های خداوندی هست و بدانید که دنیا، شیرین و تلخ آن خواب می‌باشد و بیداری در آخرت است و رستگار کسی است که در آن (دنیا) رستگار شد و بدبخت کسی است که در آن بدبخت گشت.»

بیانات امام هنگام ورود به کربلا خطاب به اصحاب خود:

«النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لِعِقِّ عَلَيَّ السِّنْتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ» (همان، ج ۴۴، ص ۳۸۳).

«مردم بنده دنیا هستند و شیرینی دین تنها بر زبان‌هایشان است مادامی که معیشت و زندگانی آنها وسعت داشته باشد آن را حفظ می‌کنند ولی هنگامی که با ابتلائات امتحان شوند، دینداران کم می‌شوند.»

بیانات پر معنی و بلند امام که بعد از خبر قتل مسلم بن عقیل فرمودند:

«فان تكن الدنيا تعدّ نفسك»  
فان تكن الابدان للموت انشئت  
و ان تكن الارزاق قسماً مقدراً  
و ان تكن الاموال للتترك جمعها

فدار ثواب الله اعلى و انبل  
فقتل امرء بالسيف في الله افضل  
فقله حرص المرء في الرزق اجمل  
فما بال متروك به الحر يبخل»

«اگر دنیا نفیس و مرغوب شمرده شود پس خانه ثواب الهی برتر و افضل است. و اگر بدنیا برای مرگ خلق شده‌اند، پس کشته شدن با شمشیر در راه خدا برتر است. و اگر روزیها تقسیم شده و مقدر است، پس کمتر حرص زدن در روزی زیباتر است. و اگر نتیجه اندوختن اموال برای ترک آنهاست پس چرا آزاده آنچه را که متروک خواهد شد به آن بخل ورزد» (همان، ج ۴، ص ۳۷۴)

بیانات امام در صبح عاشورا به درگاه الهی هنگام حمله دشمن:

«اللهم انت ثقتی فی کلّ کرب و رجائی فی کلّ شدة و انت لی فی کل امر نزل بی ثقة و عدّة. کم من کرب یضعف عنه الفؤاد و تقلّ فیهِ الحیلة و یخذل فیهِ الصدیق و یشمت العدو انزلته بک و شکوته الیک رغبةً منی الیک عمّن سواک ففرّجتّه و کشفته فانت ولیّ کلّ نعمه و صاحب کلّ حسنة و منتهی کلّ رغبة» (همان، ج ۴، ص ۴۵)

«معبودا تنها تو در هر غم و اندوه مورد اطمینان منی و در هر سختی و گرفتاری امید منی و تنها تو در هر امری که بر من نازل شده محل اطمینان و ذخیره من هستی. چه اندوه سختی که دل از آن ناتوان گشته و چاره در آن گم شده و دوست در آن خوار گردیده و دشمن شماتت کرده و خوشحال می‌شود به خاطر میل و رغبتم به تو و اعراض از غیر تو. آن اندوه را نزد تو آورده و شکوه‌اش را به تو کردم و تو آن را گشوده و برطرف نمودی. پس تنها تو ولی و سرپرست هر نعمت و معاشر و ملازم هر نیکی و غایت و منتهای هر میل و رغبت هستی».

باری ... با تاسی به آن اسوهی جاودانه نشان دهیم که عاشورایی و حسینی مانده ایم. إن شاء الله